شخصی پیش وی رسید لرزه بروی افتاد و فرمود صلی الله علیه وسلم
برخود آسان گیر که من پادشاهی نیستم **واز انجمله آنست** مهر نبوت
که برجانب کتف ایسروی بوده است مابین الکتفین گوشت پاره
بوده از پوست برآمده و برآنجا معویی چند و در بعض روایات
از ابن عمر رضی الله عنهما آمده است که برآنجا بگوشت بود لا الله الا الله
و در بعض روایات هم از وی محمد رسول الله **واز انجمله آنست**
کمال عقل و علم و معرفت وی بمثابه که هرگز هیچ آدمی چنان نبوده است
و دلیل برین آنست که وی با وجود آن که امی بود و از هیچ کس تعلم نکرده
بود اعالی و احوال و سیر و شمایل وی بر وجهی بود که علم و عقل هیچ کس
بمثل آن وفا نمی کرد و ایضاً بهرچه در تورات و انجیل و سایر کتب منزله
واقع بود علم داشت بی آنکه ویرا کسی تعلیم کند یا مطالعه کتب کند
یا بعلماء اهل کتاب مجالست کند و همچنین حکمتها و حکماء و سیر انبیای
امتهای گذشته را نیکوی دانست و ضرب امثال و سیاسات انام
و تقریر شرایع احکام و تعیین آداب شریفه و خصال حمیده معه از
وی بر وجهی صادر می شد دلالت میکرد بر کمال عقل و علم وی
بحقیقتی که از قوت بشری خارج می نمود و همچنین سایر اخلاق وی
از حلم و عفو و جود و شجاعت و حیا و حسن معاشرت با خلق و
شفقت و رأفت و رحمت با جمیع خلایق و وفا بعهد و صلهٔ رحم
و تواضع و عدل و امانت و عفت و صدق و وقار و مروت

و زهد در دنیا و قناعت و غیر ذلک من الاخلاق الحمیده و الاوصاف
الشریفه چنان در کمال اعتدال واقع بود که مزیدی بر آن متصور
نبود و تفاصیل آن بقدر وسع در کتب مبسوطهٔ مذکور است
و درین مختصر باشارتی اجمالی اکتفا کرده شد **واز جملهٔ معجزات وی**
قرآن عظیم و فرقان مجید است و آن قوی ترین معجزات و ظاهر ترین
و باقی ترین همه است و آن یک معجزه نیست بلکه هزاران معجزاست
زیرا که از هر موضع از قرآن که مقدار اقصر سوره که سوزه کوثر است
می گیرند معجزه ایست علی حده که قوت بشر از ایراد مثل آن عاجز است
و یکی از وجوه اعجاز آن فصاحت مفردات و بلاغت نظم آنست
بر وجهی که همه فصحا و بلغاء عرب از ایراد مثل آن عاجز آمدند با وجود
آن که ایشان در کمال اوجی بودند بر معارضه و مجادلهٔ حضرت رسالت
صلی الله علیه وسلم **و دیگری** از وجوه اعجاز نظم عجیب و اسلوب غریب
آنست که مخالف اسالیب کلام عرب است و هیچ بآن نمی ماند و مثل آن
در کلام عرب نه پیش از نزول آن یافتند و نه بعد ازان روزی
رسول صلی الله علیه وسلم قرآن خواند و ولید بن مغیره که از فصحای عرب
بود آواز شنید رقت کرد ابو جهل ویرا در آن سرزنش کرد و ولید گفت
والله که هیچ کس از شما بکلام عرب و اشعار ایشان داناتر از من
نیست هیچ وی میخواند هیچ بآنها نمی ماند و روزی دیگر در یکی از
مواسم عرب که قبائل جمع آمده بودند ولید بن المغیره با قریش گفت که

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)